

هاروکی موراکامی

اسپوتنیک دلبنده من

سلماز بهگاہ

www.ketab.ir

سرشناسه	موراکامی، هاروکی، ۱۹۴۹-م. Murakami, Haruki
عنوان و نام پدیدآور	اسپوتنیک دل‌بند من / هاروکی موراکامی؛ مترجم سلماز بهگام؛ براستار ملی، حی‌نجفی.
مشخصات نشر	مشه: انتشارات ترانه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۳۰۸ ص.
شابک	978-00-1061-64-0
وضعیت فهرست نویسی	فیا:
یادداشت	عنوان اصلی: : Supu toniku no hito, 2001.
یادداشت	کتاب حاضر از ترجمه‌ی اهللیس حسن عمران «The sputnik sweetheart: a novel» به هرسی ترجمه شده است.
یادداشت	کتاب حاضر اولین بار در سال ۱۳۹۵ کتاب عمران «دل‌دار اسپوتنیک» با ترجمه‌ی م. عمرانی توسط انتشارات نوای غرب مترجم شده است. دل‌دار اسپوتنیک.
عنوان دیگر	داستان‌های ژاپنی -- قرن ۲۰م.
موضوع	Japanese fiction -- 20th century
موضوع	بهگام، سلماز، ۱۳۵۹ - مترجم
شناسه افزوده	۱۳۹۶ ۸۵۴/۱۶۲PL :
رده بندی کنگره	۸۹۵/۶۳۵ :
رده بندی دیویی	۴۹۶۴۱۶۴ :
شماره کتابشناسی ملی	

از مثنویا بحینة هپسا

Maracm̄n̄ H̄aruk̄i



انتشارات ترانه

اسپوننیک دلبند من
هاروکی موراکامی
مترجم: سلماز بهگام

ویراستار: علیرضا فتحی نجفی

طرح جلد: سلماز بهگام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶، شمارگان ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان، لیتوگرافی: مشهد اسکندر

چاپ و صحافی دانشگاه فردوسی

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۱-۶۴-۰ ISBN: 978 - 600-7061-64-0

کلیه حقوق برای انتشارات ترانه محفوظ است

مشهد، میدان سعدی، پاساژ مهتاب - طبقه همکف انتشارات ترانه تلفاکس ۳۲۲۵۷۶۴۶

پیش درآمد

به عنوان سومین زبان از نویسندۀ محبوبم، هاروکی موراکامی که اقبال برگردانش نصیب شده، آرامش در سه نکتاتی را برای خوانندگان عزیز روشن کنم.

گفتم را با شرح مختصری از سرایت عنوان کتاب با دستمایۀ اثر آغاز می‌نمایم. نام این اثر نیز مانند باقی آثار موراکامی انتخابی متمایز است. اسپوتنیک، نام ماهواره‌ای فضایی است که در تاریخ ۱۲ مهرماه سال ۱۳۳۶ (۴ اکتبر ۱۹۵۷) توسط اتحاد جماهیر شوروی از پایگاه فضا با بایکونور به مدار زمین پرتاب شد. تنها سرنشین این ماهواره، سگی بر-با نام لایکا که به عنوان نخستین جانداری که مدار زمین را دور می‌زد در اسپوتنیک ۱ به دور مدار زمین نیز می‌میرد. با این‌که عنوان اسپوتنیک فقط چندبار در متن داستان آورده شده، اما استفاده از نام این ماهواره برای نامگذاری اثر هوشمندی موراکامی را بیش از پیش مشهود می‌نماید. شخصیت‌های اصلی داستان که معلمی جوان و تنها، دوشیزه‌ای در سودای نویسنده‌شدن و زنی تاجر می‌باشند هر سه بسان آهن‌واره‌هایی سرگردان در فضای قیرگونه‌ی اثر که سرشار از ابهام و گمگشتگی است معلقند و در پی رسالتی رازآلود به دور

مدار مثلثی روابط حاکم بر محتوای اثر می‌گردند. در نهایت مانند لایکا که پیش از پیمودن یک دور کامل مدار زمین می‌میرد، طراوات و سرزندگی مفهوم بودن نیز در مدار روح هر سه شخصیت اثر جان می‌بازد.

این اثر با وجود بهره‌مندی از زمینه‌ها و تکنیک‌های به ظاهر مشابه با نوشته‌های پیشین موراکامی، تفاوتی بسیار بنیادین در کاربرد معانی و مفاهیم و نحوه درهم تنیده شدنشان دارد. ویژگی بارز این اثر محو بودن فصل میان دنیا، واقعی و غیرواقعی، و عالم واقعی و فراواقعی است. آنچه موراکامی بیش از سایر آثارش سعی در بزرگ‌نمایی آن داشته اتفاقات غیرمعمولی هستند که در زندگی افراد معمولی رخ می‌دهند.

راوی داستان که همچون سایر روایت‌های موراکامی مردی خونسرد، حاضر به کمک و ارائه پیشه است، این بار بدون اراده خود و بی‌مقدمه از دنیای واقعی و عالم خائرش با دنیای فراواقعی و مرموز زنان قصه می‌گذارد. زندگی زنان این راستا برخلاف همیشه در قالب روالی معمول پیش می‌رود، اما شرایط خانوادگی و تعارض شخصی نادرشان، آن‌ها را در گذشته و حال به ستیز می‌طلبد و پاشان را در مسیر تجربه وقایعی غیرمعمول و فراواقعی می‌کشاند. او دنیا را با شخصیت‌ها را روی الاکلنگی متصور می‌شود که یک‌سرش به غیرواقعیات و سر دیگرش به فراواقعیات می‌رسد. گویی که هر شخصیت با خودش الاکلنگ بازی می‌کند و شوق آگاه و خودآگاهش را دو سر این جبر آهنین نشانده و بازی‌شان را به تماشا می‌نشیند.

برخی معتقدند موراکامی نویسنده‌ای بیش از حد غرب‌زده است که ریشه‌های ملی خود را از خاک نوشته‌هایش بیرون کشیده و به عوض آن ریشه فرهنگ دستمالی شده و غالب آمریکایی را در صفحات روایتش به آب و خاک نشانده است. شخصاً با این نقد افراطی و جانبگیرانه مخالفم زیرا پُر واضح است که در دنیای مدرن امروز به حکم جبر فناوری روز و

پیشرفت‌های بشری به ویژه در حوزه ارتباطات، انسان هزاره سوم ناگزیر چنان در سیلان ابداعات مدرن و تبادلات میان‌ملیتی غرق می‌شود که گاهی حتی برای خرید یک کیلو سیب‌زمینی ناقابل از رفتن به سرِ کوچه صرف‌نظر کرده و با فرستادن پیغامی در تلگرام و یا وایبر به سبزی فروش محل سفارش خود را دربِ خانه‌اش می‌گیرد. این ساده‌ترین نفوذ زندگی مدرن و متجدد امروز است که از انسان، نسخه‌ای شبه‌اسپوتینکی و به‌ربرنامه‌ریزی‌شده تحویل خودش می‌دهد. حال اگر چنین تحول رو به زوالی دامنگیر بشر قرن بیست و یکم شده آیا بهتر نیست در این جبرِ لاجرم، از آن فرهنگِ امپریونیستی غالب، موسیقی و ادبیات فاخرش روی روح بشر کدگذاری شود؟

جوامع گوناگون در یک‌دیگر، خاص خود را در دریافت افسانه‌های فرهنگ غالب امپرسیونیستی دارند. برخی نوامع در کنار پذیرش تاثیر روندهای منفی فرهنگ غالب که در لایه‌های مختلف از جمله نوع پوشش، روابط انسانی و محصولات رسانه‌ای اشاعه شده، انتخاب‌شان بر این است تا از زوایای مثبت آن نیز بهره‌مند شوند. موانع کامی از این دسته است. او در تمام آثارش به رگه‌هایی از فرهنگ غالب دست می‌آورد. با بسترسازی مناسبی در جهت ادراک مضامین، بذر روحیه‌ای مستقل و خردمندانانه را در نگرش انسان پرورش می‌دهد و به بار می‌نشانند.

فرهنگ کافه‌نشینی که از دیرباز در نظر بسیاری از ادبای غربی بیخندگان جهان محترم و تعالی‌بخش و به باور افراطیون مفسدانه و مروج بی‌درباری بوده، مقوله‌ای است که همیشه محکوم برداشت‌های ضدونقیضی گشته است. بوریس وین، نویسنده، شاعر و مترجم شهیر فرانسوی در جایی می‌گوید «اگر کافه‌ای نبود، ژان‌پل سارتری هم نبود.» این ادعایی برحق است که حتی در کشور خودمان نیز جلوه‌های بارزی از آن قابل به استناد است. از بیژن نجدی تا احمد شاملو در کافه‌های فرانسوی‌مآب گرفته، تا شهریار و میرزاده

عشقی در قهوه‌خانه‌های سنتی ایرانی. سومیر و راوی داستان که در جایی به نام ک از او یاد می‌شود، در این اثر به همراه یکدیگر در کافه‌ای دنج صمیمانه حضور می‌یابند تا جز مشق ادبیات و مطالعهٔ رمان‌های محبوب کار دیگری از شان سرزنند. آن‌ها از دغدغه‌های شخصی خویش می‌گویند و جریان تبادل نظر و ایده‌های فردی‌شان است که به آن‌ها کمک می‌کند تا پازل هر روز از حیات زمینی خود را با باورهای معنوی همسو سازند و در پایان در بر به کلیت گذشته‌ای سازوبرگ دهند که خاطره‌ای فراموش‌نشده محسوب شود؛ خاطره‌ای که خود سرنخی است برای حل معمای روزی دیگر در آیند ای نام‌موم.

موراکامی جوانان را می‌ستاید. او عاشق نوشتن از چالش‌هایی است که در زندگی واقعی بر پیراهن پدیدار می‌شود و معضلات زندگی مدرن و عجایب انسانی متعددی که امروزه تمام جوامع دنیا شاهدش هستند مدام مسیر زندگی شهروندی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. گاهی تنها تلنگری ساده کفایت می‌کند تا فرد قادر شود از سلاحت و یا عدم‌صلاحیت تصمیم و رویکردی که پیش گرفته مطلع گردد. جهان مدام‌های دون‌پایه‌ای که در هزارهٔ سوم فساد و تباهی بشر را رقم زده، انحرافات اخلاقی و جنسی است. موراکامی به اصول اخلاقی پایبند است. او هر بار به تصویر کشیدن گوشه‌ای از مصائب اخلاقی بشر امروز به وضوح پیوسته. این حقیقت برمی‌دارد که کژی صرف‌نظر از نوع آن و در هر قالبی محال است که به سرانجام برسد. در این اثر وی به شیوهٔ معمول خود این معضل را به قلم می‌کشد تا در نهایت به این نقطه برسد که تعالی انسان در امتزاج دو قطب نروماده است. سومیر که به خیال خود شیفتهٔ زنی تاجر شده با این‌که به سبب این انتخاب به آن‌سوی دنیای واقعی گسیل می‌شود در نهایت درمی‌یابد که سلامت حیاتش ولو در آن‌سوی آئینهٔ واقعیت در گرو پذیرفتن عشق راوی است که مدت‌های مدیدی نسبت به وی در دلش احساس

می‌کرده و هرگز به بار ننشسته. خودِ راوی که ناخواسته و شاید همچون سایر شخصیت‌های آثار موراکامی، باری به هر جهت وارد رابطه‌ای نامشروع شده در فصل پایانی در گیرودار ماجرابی می‌افتد که از بیخ و بُن نشئت‌گرفته از گزینه غلطش است. روح سرکش و زیاده‌خواه انسان گاهی او را در ژرفای منجلاهی می‌افکند که التجا بردن به هیچ‌کس جز شهود و شعور شخص راهش به جایی نمی‌برد.

موراکامی همیشه برای نوشته‌هایش لیستی منحصر بفرد از قطعات موسیقی بدیع جفت‌وجور می‌کند تا در عالی‌ترین مناسبت با کلیت داستانش قرار گیرد. مجموعه بی‌بدیلی از سمفونی‌ها و ارکسترهایی که وی به انتخاب خود در شصت‌پردازی شهروندان شهر قصه‌اش به خورد روند طبیعی زندگی‌شان اده همیشه مرا متحیر کرده است. در این زمان ما با اُرتورهای کلاسیک و کسرترهای شنیدنی آهنگسازان و موسیقی‌دان‌های مختلفی از گوشه گوشه این جهان آشنا می‌شویم و به وجد می‌آیم که او چقدر در انتخاب ضرب‌آهنگ‌هایی به غایت گویای احوالات ساکنان روایتش هستند چه رویکرد روانشناسانه و موشافانه‌ای را پیش می‌گیرد.

به هر تقدیر این‌که موراکامی شایستگی زنده شدن تحت عنوان یک چهره ادبی جهانی را دارد یا خیر مقوله‌ای است که به نوا معروف ادبا و علما بر سرش اختلاف‌نظر دارند. شخصاً از بدو فعایتیم در ترجمه ادبی آثاری را برگزیده‌ام که به جان خودم نشسته‌اند و ایمان داشته‌ام در برگردان آن‌ها قادرم نهایت سعی و اهتمام خود را به کار بندم. خدا را شاکرم که تا به این لحظه غیر این نشده و مخاطبان عزیزم همیشه مرا شرمندۀ لطف و همراهی خود کرده‌اند. امیدوارم از خواندن این زمان نیز نهایت لذت را ببرید. دیگر بار از زحمات بی‌شائبه ویراستار محترم جناب آقای علیرضا فتحی نجفی در سلیس و روان شدن متن و الطاف همیشگی ناشر محترم، جناب آقای خوافی قدردانی می‌کنم و امیدوارم هر روز بیش از روز قبل این

مجال را پیدا کنم تا در جایگاه خادمی فروتن در زمینه ارائه محصولات ادبی
کوشا باشم و در ترویج فرهنگ کتابخوانی میان هم‌وطنان گرانقدرم مشرک
واقع گردم.

سلماز بهگام

www.ketab.ir